



بهنام آزاد

خطر جنگ، آخرین حربه دیکتاتور

هنوز طنین شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی" در گوشم می پیچد. شعاری که متولد اتفاق شوم جنگ بین ایران و عراق بود. این جنگ هشت ساله هرچقدر برای مردم دو کشور منادی بدبختی بود، برای غرب و حکومت دو کشور دارای سود بود.

تثبیت نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی بزرگترین بهر برداری رژیم، از این جنگ بود. دیکتاتور مذهبی ایران در فضای ملت‌هتبه جنگ به راحتی توانست دست به کشتار دهه ۶۰ بزند و منتقدان، متفکران و مبارزان آن زمان را حذف فیزیکی کند. این فضا آتقدیر برای حکومت آخوندی مطلوب بود که خمینی از قبول قطعنامه ۵۹۸ به نوشیدن جام زهر یاد کرد.

حالا بعد از ۲۲ سال باز صدای طبل جنگ به گوش می رسد. تهدیدی که در سالیان اخیر بیشتر از طرف غرب بود، حال حکومت ایران به آن دامن می زند و با تهدید به بستن تنگه هرمز، فضای روانی خطر جنگ را ملت‌هتبه تر می کند. حکومت ایران از ایجاد این فضا دودخلف را دنبال می کند.

ادامه در صفحه ۱۲

نامه سرگشاده عبدالله اسدی به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه در مورد وضعیت اعضای انجمن حمایت از پناهجویان در آن کشور



عبدالله اسدی
asadiabe@yahoo.se

به اینکه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل خود به خوبی می داند که این پناهجویان همگی سیاسی و در ترکیه مشغول فعالیت هستند و به خاطر ترس از شکنجه و اعدام از ایران گریخته اند؛ ولی با گذشت ۷ ماه از تبعید آنها به دیگر شهرهای ترکیه، دفتر یوان در این کشور حاضر به پذیرش پناهندگی سه نفر باقی مانده از این پناهجویان نشده و اساسا هیچ واکنشی در این مورد نشان نداده است.

اعضای انجمن حمایت از پناهجویان در تاریخ ۲۸ ژوئن ۲۰۱۱ بدلیل فعالیت سیاسی همگی به دفتر پلیس نوشهر احضار شدند. در میان آنها پلیس حکم اخراج

ادامه در صفحه ۹

سال گذشته پلیس ترکیه تجمع اعضای انجمن حمایت از پناهجویان در شهر نوشهر را بهم زد و هر کدام از آنها را به شهرهای دیگری تبعید کرد. بلاخره چهار نفر از آنها در اثر مبارزه و تلاش خود و حمایت های بین المللی از سوی یوان پذیرفته شدند ولی متاسفانه سه نفر از آنها هنوز بدون داشتن قبولی یوان در شرایط سخت زندگی در ترکیه به زندگی خود ادامه می دهند. این سه نفر عبارتند از:

- صلاح الدین عزیزیان: دبیر و سخنگوی انجمن
 - سیروان عنایتی: خبرنگار (و مسئول گروه خبری انجمن)
 - ساسان مهری: فعال در بخش فرهنگی انجمن
- نکته ای که بسیار جای تعجب دارد این است که با توجه

مصاحبه با عبدالله اسدی ویژه بیستمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال ضمیمه ۴۳۰

انتشار این مصاحبه را از آن جهت در نشریه همبستگی ضروری دانستیم که خوانندگان نشریه همبستگی با دیگر وظایف عبدالله اسدی آشنا شوند

ماست که در همه جای جهان حق و حقوق انسانی پناهندگان به عنوان يك حلقه ضعیف و فرودست جامعه خیلی ساده پایمال می شود. ولی ما به تحمیل چنین شرایطی به پناهندگان مخالفیم و از حقوق برابر برای آنها دفاع می کنیم. حتی در همین کشورهای غربی که اکثرا عضو کنوانسیون ژنو هم هستند تا زمانی که متقاضیان پناهندگی رسماً به عنوان پناهنده پذیرفته نشوند از کمترین حقوق و مزایای انسانی برخوردار نمی شوند. برای مثال پناهندگانی که احتیاج به عمل جراحی داشته باشند فقط بخاطر اینکه اقامت ندارند مورد معالجه و

ادامه در صفحه ۱۰

کشورهای پناهنده پذیر مسئول مستقیم مرگ پناهجویان هستند... بیانیه پنجم انجمن حمایت از پناهجویان ایرانی

خطاب به ریاست کانون وکلای دادگستری بین الملل و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل دفتر ترکیه (UNHCR) کمیساریای عالی حقوق بشری، کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، سازمان عفو بین الملل پیرامون مرگ فله ای پناهجویان در مرزهای یونان، ترکیه، اندونزی، استرالیا، مالزی که مسئول مستقیم این فجایای کشورهای پناهنده پذیر هستند...

ادامه جنگ، کشتار، فقر، بیکاری، نبود آزادیهای اجتماعی و سیاسی، نبود احزاب و دایر بودن حکومت های ایدئولوژیک و دیکتاتوری... در ایران، عراق، افغانستان، سریلانکا، سومالی و... سبب شده تا هزاران نفر برای خروج از کشورشان که اکنون به دست متهمان نقض حقوق بشر، قاچاقچیان مواد مخدر و چپاولگران منابع ملی اداره می شود، خود را به آب و آتش بزنند و پیاده و سوار بر قاطر و قایق سرنوشت خود را به دست باد بسپارند.

پناهجویان یا از کوههای صعب العبور ترکیه طی طریقت می کنند یا قایقهای شکسته اندونزی را... یا کامیونهای نفت کش را تجربه می کنند یا جنگل های سرد یونان را.... که انتخاب هر کدام از آن

ادامه در صفحه ۱۱

تشدید چپاول در آمد حاصل از نفت ایران توسط رژیم و انتقال آن به خارج از کشور



بهرام تورانی

نفت یکی از مهمترین منابع انرژی در جهان میباشد و میتوان گفت که حیات اقتصاد جهان در گروی آن است؛ زیرا که غرب و کشورهای صنعتی هنوز منبع انرژی ثابت و مشخصی جایگزین آن پیدا نکرده اند. تحریم نفت برای جمهوری اسلامی خیلی مهم و حیاتی است چرا که تنها منبع ساختار مالی رژیم از آن تامین میگردد.

به راستی اگر ایران نفت نداشت این رژیم هزینه های هنگفت پرورش تروریست در سطح جهان به ویژه خاورمیانه از حزب الله لبنان گرفته تا حمایت از دولت دیکتاتور سوریه علیه مردم و انفجارهای انتحاری عراق و افغانستان را از کدام منبع مالی بدست میآورد؟! رژیم جمهوری اسلامی با پول نفت توانسته است گروهکهای بزرگ تروریستی در سطح جهان بویژه خاورمیانه پرورش دهد. متأسفانه بخش بزرگی از درآمد نفتی ایران صرف هزینه هایی میشوند که فقط به گوشه یا قسمتهایی از آن در ذیل اشاره میگردد.

بخش بزرگی از درآمد نفتی ایران صرف ساپورت کشورهای دولت دیکتاتوری سوریه و حزب الله لبنان میشود و حتی تا قبل از اعتراضات مردم سوریه، ترکیه و برزیل و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین نیز توسط رژیم برای جلب حمایتها در برابر تحریمها و فشارهای بین المللی از درآمد نفت ایران بهره بردند که خوشبختانه تاثیر بسزایی برای جلب حمایتها از کشورهای آمریکای لاتین و ترکیه را به دنبال نداشته و رژیم اسلامی در این زمینه ناکام یا ناموفق بوده است و متأسفانه فقط بخش هنگفتی از ثروت برآمده نفتی مردم به هدر رفت.

پرداخت هزینه های هنگفت واردات

تجهیزات جنگی و دستیابی رژیم به ساخت کلاهکهای هسته ای از روسیه و چین و واردات صلاح های گرم و خود و با تغییر پوشش لباس خود از روحانیت یا بسیجیت به لباسی اسپورت به راحتی تغییر چهره دهد.



تنگه هرمز

شاید به گرات شنیده یا دیده اید که خرید و فروش شناسنامه یا دیگر مدارک هویتی در کشور با اندکی نفوذ یا رابطه و پرداخت رشوه به مدیران یا کارمندان ارشد ثبت احوالهای حکومتی، یکی از هزاران فسادهای اداری است که در بیشتر ادارات دولتی رژیم صورت میگردد، بنابراین تغییر چهره و حتی تغییر مدارک هویتی یا چند هویتی که عزل و انتصاب مدیریت فاسد ثبت احوال رژیم از اختیارات مقامات و سران حکومتی است به نتیجه میرسیم که به راحتی قابل پیش بینی است که سرقت و اختلاس های میلیاردری و نقل و انتقال بخش بزرگی از این ثروت های مردمی به خارج از کشور حقیقتی است انکار ناپذیر که سران رژیم برای فراهم کردن امکانات مالی زندگی مرفه و فرار از محکومیتشان به خارج از کشور در واپسین روزهای فروپاشی رژیم یا به عبارتی برای روز مبادا انجام میدهند. خروج هفت و نیم میلیارد دلار پول نقد و بیست تن شمش طلا در پاییز سال ۸۷ و اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بانک صادرات در سال جاری نمونه هایی از گندآب های کوچک از مرداب بزرگ زدبیهی رژیم فاسد اسلامی است که لو رفته اند.

احتمال حمله نظامی به رژیم اسلامی و

تمرین های نظامی رژیم جنگ طلب اسلامی در تنگه هرمز رژیم اسلامی تمرین نظامی ده روزه موسوم به ولایت ۹۰ بوسیله نیروی دریائی خود و گروهک بزرگ تروریستی سپاه پاسداران در نزدیکی تنگه هرمز آغاز کرده است، رژیم جنایتکار اسلامی که با تب و تاب بالای تحریمهای گسترده جهانی روبروست و در انزجار جهانی و منطقه ای (خاورمیانه) و حتی کشورهای همسایه خویش قرار گرفته با تمرین های نظامی خود در تنگه هرمز، آخرین تلاشها و تحرکات تهدیدآمیزش را برای فرار از تحریم نفت آغاز نموده است و موجب اندکی افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی شد، اما هنوز بیشتر از یک روز نگذشته بود که کشورهای عربی نفت خیز اعلام کردند که در صورت تحریم نفت ایران حاضر به افزایش صادرات نفت خود جایگزین نفت ایران هستند، به عبارتی این گواه بر این است که انزجار از جمهوری اسلامی در جهان به ویژه منطقه خاورمیانه شدت یافته و کشورهای حوزه خلیج فارس یا نفت خیز را به رغبت و حمایت در تحریمهای شدیدتر یا حمله نظامی بر علیه حکومت ایران سوق داده است. اما صرف نظر از وقوع جنگ، دغدغه اصلی آمریکا یا غرب در حمله نظامی به ایران نفت است، نفت مهمترین حیات اقتصادی است که غرب و آمریکا را با بحران مواجه کرده چرا که هنوز منبع انرژی ثابت و مشخصی جایگزین آن پیدا نشده است. ثبات و وابستگی کشور های خاورمیانه به ویژه کشورهای نفت خیز به آمریکا یا غرب به علت نیاز و تقویت بخش صنعتی و اقتصادی رو به بحران آمریکا و غرب امری است ضروری و دارای اهمیت در استراتژیک و سیاستهای غرب و آمریکا که در منطقه دنبال میشود.

اگر رژیم مبادرت به بستن تنگه هرمز نماید احتمال حمله نظامی به رژیم

افزایش خواهد یافت زیرا که بیش از ۴۰ درصد از نفت مورد نیاز کشورهای غربی و آمریکا توسط بزرگترین صادرکننده های نفتی از این تنگه انجام میگردد، در غیر این صورت حمله نظامی به ایران قوت اجرایی نخواهد داشت چرا که قدرت های بزرگ تنها زمانی مداخلات جنگی به ظاهر بشر دوستانه را مورد توجه قرار می دهند که منافع ملی خودشان به خطر افتاده باشد، رجزخوانی و تبلیغات توخالی رژیم صرفاً فقط برای ایجاد ترس از تحریم نفت در ایران است که اگر صورت پذیرد رژیم جمهوری اسلامی را به چالش بزرگ مالی و غیر قابل جبران روبرو خواهد کرد. در حال نمایش رزمایش های رژیم در منطقه هیچ تهدیدی برای این قدرتها نیست بلکه برعکس به بهانه خطرناک بودن رژیم برای کشورهای منطقه فقط بازار فروش سلاح آمریکا و غرب در کشورهای منطقه را رونق بخشیده است که نمونه بارزی از آن فروش ۸۴ جنگنده اف ۱۵ آمریکا به عربستان سعودی در روزهای اخیر است. تبعات بار منفی تشدید تحریمها یا حمله نظامی به رژیم ایران فقط بردوش مردم و بزرگترین قربانیان آن قشر کارگر و بیکار یا طبقات بی بضاعت جامعه خواهند بود و مقصر اصلی آن حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است. رهایی از تشدید تحریمها و جلوگیری از حمله نظامی فقط با سرنگونی رژیم به دست خود مردم امکان پذیر خواهد بود بنابراین بجای حمایت از تحریم یا حمله نظامی به رژیم، پیشنهادها و راهکارهای عملی جدید برای به جریان انداختن تحرکات اعتراضی مردمی برای سرنگونی کامل این رژیم جنایتکار اسلامی از وظایف اصلی اپوزسیون ضد رژیم اسلامی چه داخل و خارج کشور میباشد، چرا که با سرنگونی رژیم ملتی ۳۳ فقره فلاکت و رنج و مشقتی که ۳۳ سال بر آنها تحمیل کرده، نجات یافته و جهانی را از نگرانی مبری خواهد ساخت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری



محمد مومنی

حاکمیت جمهوری اسلامی در طول عمر سه دهه ای که سپری کرده هیچگاه تا بدین حد به هچل گرفتار نبوده است. فشارها از هرجهت به حدیست که آقایان تنبان زرد کرده اند.

موج فردا با اینکه نه پیشگوست و نه علم اسطراب می داند اما در چند یادداشت آنهم ماهها پیش این اوصاف حکومت را پیش بینی کرده بود. نوشتیم که حکومت در آستانه فروپاشیست. شاید جز تحلیلگران کسی معنای این فروپاشی را درک نکند چون ظاهر امر عادی می نماید اما واقعیت این است که حکومت از فاز اول فروپاشی عبور کرده است. نشان بارز آن هم اینکه عملاً کنترل تمام عیار امور در دست نظامیان است و دولتی به معنای واقعی حاکم نیست. فرمانده سپاه حاکم نظامیست به قم می رود، خط و نشان می کشد، تطبیع می کند و خلاصه به زبان

حاکمیت فروپاشیده است، اکنون چه باید کرد؟

سرنگون باد جمهوری اسلامی

عمل می گوید که حاکم منم نه دولت! فاز دوم فروپاشی نیز کم کم خود را نشان خواهد داد. علائم آن از هم اکنون هویداست. اسم انتخابات نم از دهانشان می کشد و ضرباهنگ قلبشان را به حدی بالا می برد که در لباس پاسداری یا لباده ملایی رقص سینه لرزان دارند.

تحریم انتخابات از یکسو و جایگزینی رقیب سفک و اسلحه دار با اصلاح طلبان کم خاصیت ازسوی دیگر خوابها را آشفته کرده است. راستی اگر دارودسته جبهه پایداری مصباح با تقلب و مضیقه مواجه شوند و کار به حضور خیابانی هواداران نشان بیانجامد آیا لایه ای از این هواداران که در اطلاعات سپاه لانه کرده اند تک

تیراندازانشان را به پشت بام ولابلائی شمشادهای خیابان اعزام نمی کنند. شک نکنید که ذره ای درنگ نخواهند کرد و این همان نگرانیست که ذلیل جعفری از آن نگران است. حق با علی کشتگر است که می گوید ریشه جنگ نمایی در خلیج فارس نه احتمال جنگ که فضا سازی برای سرکوب افعی دوسریست که در خانه خونریزان لانه کرده است. خونریزان سفک اگر موفق به حفظ مجلس فرمایشی نشوند و دومای ایرانی را به دست مردک روانی احمدی نژاد بسپارند کارشان تمام است اگر هم سخت جانی کنند جبهه پایداری غارت که سودای ولایت جهل مصباحی در سر دارد کوتاه نخواهد آمد. بازی مرگ و زندگیست. اگر دقت

کنیم می بینیم که سازمان حکومت در قالب طرحی جامع هم تلاش برای شکافتن جبهه اپوزیسیون دارد و هم مجاری اطلاع رسانی در داخل را به بدترین شکلی مهار می کند. شبکه های ماهواره ای خبری نظیر بی بی سی و صدای آمریکا در ساعات کلیدی شب قطع می شوند و عجله برای قطع اینترنت و بکار افتادن موتور جستجوگر ایرانی به اضطراب انجامیده است.

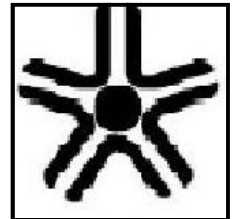
چرا چون نگرانی اصلی را دریافته اند: آگاهی عمومی و افزایش قدرت تحلیل در جامعه، بیش از یک سال پیش در قالب سخنی با اصلاح طلبان و در یادداشتی نوشتیم که انتخابات بی انتخابات، هدف رسیدن به همین نقطه بود. هرچه رقبا از میدان بیشتر دوری کنند زمینه برخورد این دو افعی بیشتر می شود و این همان رویارویی آخر است. در این میان اما نقش ما تحریم منفعل و سکوت نیست. تحریم فعال است و موضوع فعالیت استفاده از فرصت برای آگاه کردن اقشار بی اطلاع جامعه از شرایط و آرایش نیروهاست. باید به میان مردم رفت و آنان را در جریان امور قرارداد. در جنوب شهرها مردم کمتر از مسائل مطلع اند. بیهوده نیست که سخت

گیری برای داشتن تجهیزات ماهواره در آنجا بیشتر و تماشای شبکه های ماهواره ای جرمی سنگین تر است. جنوب شهرها که از خواب برخیزند کار تمام است. حکومت هم این را خوب می داند. اگر جوانان و فعالان جنبش از میزان نگرانی حاکمان غارتگر از دانستن در جنوب شهرها اطلاع داشتند آب دستشان بود زمین می گذاشتند و قدم بر می داشتند اما افسوس که از این مهم غفلت می شود. باید به عموم مردم گفت که با عدم حضور در انتخابات از این دعوا کناره بگیرند و تماشای فرصت شناسی باشند تا به وقت موعود سر هر دو افعی به سنگ همتان له شود. فرصتی برای اشتباه نیست. اکنون باید میدان را خالی کنیم تا غارتگران در غیاب ما به تسویه حساب بپردازند.

سوت و کف باید زد و هلهله باید کرد که مقدمه جشن آزادی ملت از جنگال دیوان دور نیست. خونهای به ناحق ریخته کم کم دارد ثمر می دهد. صبر، زیرکی، اتحاد و التزام به اندیشه جمعی کارت دعوت همه ما به ضیافت عروسی استقلال و آزادی کشورمان است. زنده باد فعال سیاسی هوشمند و عملگرا

اطلاعیه

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ



جهت اطلاع پناهجویان

به اطلاع میرسانیم که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در طول دو ماه گذشته در مورد شرایط سخت پناهجویانی که به طور غیر قانونی زندگی میکنند با پلیس مرزی و اداره مهاجرت در تماس بوده و تلاش داشته تا پلیس را قانع نماید که این دسته از پناهجویان به زندگی قانونی برگردند. بالاخره روز دوشنبه دوم ژانویه پلیس

مرزی گوتنبرگ طی تماسی با دفتر فدراسیون اعلام کرد در صورتی که فدراسیون مشخصات این دسته از پناهجویان را در اختیار آنها قرار دهد، پلیس مرزی به این پناهجویان اجازه خواهد داد که ب برگردند طور قانونی در سوئد زندگی نمایند.

لازم به یادآوری است که پناهجویانی که به زندگی قانونی برمیگردند از دریافت هزینه زندگی و کارت شناسایی و خدمات درمانی نیز

برخودار خواهند شد. به همین جهت فدراسیون از این دسته از پناهجویان می خواهد که مشخصات خود را به صورت زیر از طریق ایمیل یا تلفن زیر برای فدراسیون بفرستند:

- آدرس پستی

- شماره پرونده

- تاریخ تولد

تلفن تماس

مشخصات خود را با آدرس زیر

از طریق ایمیل بفرستید

Majid_hamidian@yahoo.se

یا با شماره تلفن زیر

۰۷۳۹۰۹۶۶۰۳

مجید حمیدیان تماس بگیرید

همبستگی، فدراسیون سراسری

پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ



سیامک بهاری مسئول ترکیه

و کشورهای همجوار ایران

شماره تماس:

۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@yahoo.com

انزوای هر چه بیشتر ملایان



فهر السادات قائم مقامی

آن را داشته باشند. اینگونه مکانها با اینکه در مایملک و محدوده جغرافیایی یک کشور هستند اما بین المللی میباشند به خصوص اینکه ۶۰ درصد انرژی دنیا از این مسیر صادر می شود و این اقدام نوعی اعلام جنگ به دنیا است. حکومت ایران دچار آشفتگی وسیع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

در عرصه بین المللی شاهد انزوای ایران در سطح جهانی هستیم آمریکا گفت بستن تنگه هرمز را بی پاسخ نخواهد گذاشت و فرانسه شلیک موشک در این منطقه را یک علامت خیلی بد از سوی جمهوری اسلامی ارزیابی کرد و بسیاری از کشورها در این زمینه واکنش نشان دادند. از نظر اقتصادی هر روز نابودی کارخانجات

بسیار و بیکاری گسترده کارگران را شاهد هستیم. هر روزه نرخ طلا و دلار سیر صعودی داشته و ارزش ریال هر ساله کاسته می شود؛ فقط در سال گذشته ارزش پول ایران یک سوم کاهش را نشان می دهد. هر روزه شاهد اختلاسهای کلان سه هزار و چهار هزار میلیاردی که تنها گوشه ای از دزدی غارتگران جمهوری اسلامی است هستیم.

در عرصه اجتماعی که تبعیض و نابرابری جنسی و قوانین اسارت و بردگی انسانها را شاهد هستیم. طبق آمارهای داخل ایران خودکشی در بین زنان رقم قابل توجهی را نشان میدهد. در زمینه حجاب، خشونت‌های خیابانی، قتل‌های ناموسی، اسید

پاشی، سنگسار و قصاص همه حاکی از قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی از یک طرف و جامعه بحران زده کنونی از طرف دیگر است.

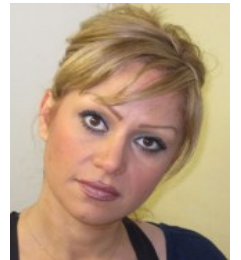
در عرصه سیاسی که سران نظام به جان هم افتاده اند و یکسره برای هم در جنگ قدرت شاخ و شانه میکشند و یکدیگر را تهدید به رسوایی می کنند. در سالی که گذشت بنابر آمار دولتی شاهد بیش از ۵۰۰۰ اعدام بودیم که می توان گفت همگی آنها از فقیرترین اقشار جامعه بوده اند.

جمهوری اسلامی با هر اعدامی در طول حکومت ننگین خود این پیام را داده است که "هر گونه صدای مخالفی را در نطفه خفه می کنیم و هر اعتراضی با اعدام و زندان و تجاوز روبرو می شود" و همچنان زندانها مملو از مردم مبارزان و آزادیخواهان میباشند. اما همچنان جنبش مردمی قوی، سرزنده و پویا در حرکت هست.

از سایت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دیدن کنید. در این سایت در مورد قوانین مهاجرتی کشورهای اروپایی اطلاعات بسیاری موجود است. شما پاسخ بسیاری از سؤالات پناهندگی خود را در این سایت خواهید یافت
www.hambastegi.org

فرومانده نیروی دریایی ایران گفت؛ مسدود کردن این تنگه استراتژیک برای ایران مثل آب خوردن است. دربار موسوی اعلام کرد نیروی دریایی ایران تاکتیک جدیدی را در این منطقه به اجرا خواهد گذارد وی افزود: "بر اساس این آرایش تاکتیکی، تردد هرگونه شناور از تنگه هرمز در صورت تصمیم نیروی دریایی ایران غیر ممکن خواهد بود." متخصصین می گویند تنگه هرمز با عرض ۵۵ کیلومتر بین المللی است و مقرراتی وجود ندارد که مجوز بستن

حکومت اسلامی یعنی زوال و تباهی جامعه



شیرین شکرزاده

اسلام را نمی توان در ردیف دیگر دینهای دنیا قلمداد کرد زیرا این دین انسانها را به لحاظ جسم و روح ناتوان به شمار میآورد و به خود اجازه میدهد ولی و تصمیم گیرنده انسانها باشد و این عملکرد همانند ارباب و روستائی است که روستائی هیچگونه اختیار و آزادی عملی در برابر ارباب خود نداشت و غلام حلقه به گوش او بود.

دین اسلام طی حدود ۱۴۰۰ سال عمر خود همواره نشان داده انسان یک موجود بی اختیار بی عقل و بی منطق است و عقل انسان قادر به هدایت و راهنمایی او نمی باشد در حالیکه کتاب فرستاده شده از طرف خودش بیان می کند ما انسان را

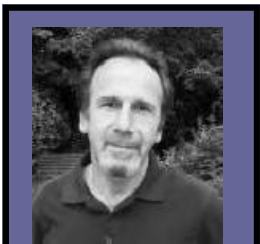


این دین، حق و اجازه هیچگونه نقد یا بررسی این دین را ندارند به جز تعداد محدودی که از علمای دین اسلام هستند. نماز یعنی شکرگزاری از خدای آسمانی و یا خدای زمین یا همان پیامبر یا آخوندها. از ختنه شدن دست و صورت شستن، توالف رفتن طهارت، ازدواج، عشق بازی، موقع و بهترین روشهای سکس تا شستشوی مرده و آموزش بد از مرگ که شب اول بعد از

به واسطه عقل و خردش از دیگر موجودات متمایز آفریدیم. ریشه کلمه اسلام در فرهنگ لغات از کلمه تسلیم گرفته میشود و کاربرد کلمه اسلام همین تسلیم شدن است. همانطور که یک اسیر در جنگ تسلیم دشمن میشود انسانها نیز با گرایش به دین اسلام خود را مطیع و یا همان تسلیم خدای آسمانی و خدای زمینی میکنند که موجودی ناشناخته می باشد و این اسرا و گردن نهندگان به

مردم این حکومت سرنگون شود و مردم ایران نیز در طول این سه دهه به هر وسیله ای نشان داده اند که خواهان سرنگونی این حکومت هستند.

نابود باد حکومت اسلامی به امید جهانی آزاد .



بهر روز بهاری مشاور امور پناهندگی فدراسیون پناهندگان ایرانی در انگلستان

تلفن تماس:
۰۰۴۴۷۹۱۵۱۷۸۲۱۹

قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست

نظام تاکید کردند. به راستی با این مسیری که رهبر محترم برای منزوی تر شدن بیشتر در پیش گرفته، دور از انتظار نیست که در ماههای آینده برای فروش نفت مجبور شود آستین ها را بالا بزند و شخصا در آبهای خلیج فارس به فروش نفت بپردازد.

تحریم های پی در پی و درماندگی سران حکومت ظلم و استبداد



حسین یزدانی پژوه

سرکوب هر نوع مخالفتی فکر میکنند. اگر کشورهای خارجی هم بخواهند جلوی فعالیت اش را بگیرند با انتقال همه فشارها به دوش مردم به راهش ادامه خواهد داد.

تحریم ها در اوایل تنها شامل منع فروش مواد یا تجهیزات هسته ای به ایران میشد که ایران امکان استفاده نظامی از آن را داشت، اما با پافشاری رژیم به ادامه فعالیت های خود، تا تحریم بانک مرکزی و صنعت پتروشیمی ایران پیش رفته است.

به اوج خود رسید و در نهایت او و دولتش را به یکی از بزرگترین ناقضان حقوق بشر در آمار جهانی تبدیل کرد. این عوامل باعث شد که سازمان

اندیشیده اند اما با سر کار آمدن احمدی نژاد وقاحت حکومت اسلامی چهره ای علنی تر به خود گرفت. اوج تحریم ها پس از روی کار آمدن محمود



ملل، آمریکا، بریتانیا، اتحادیه اروپا و کشورهای شرق آسیا دست به تحریم های گسترده علیه ایران بزنند. رژیم اسلامی حکومتی است که تنها هدفش طولانی تر شدن عمرش است و برای رسیدن به این هدف فقط به پیشرفت در عرصه نظامی، هسته ای و

احمدی نژاد وضع شد، احمدی نژاد در طول ریاست جمهوری تمام تلاش خود را برای عملی کردن سیاست های دیکته شده رهبری در زمینه انرژی هسته ای انجام داد. در طول ریاست جمهوری او خفقان سیاسی، سرکوب و وحشیانه و شکنجه و کشتار مخالفین

از آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی پس از انقلاب ۱۳۵۷ تا به امروز سران این حکومت همواره به دلیل تفکرات مذهبی، سیاست های اشتباهی در زمینه بین المللی در پیش گرفته که جز از دست دادن حمایت مردمی، منزوی شدن و تحریم های متعدد سودی برای این حکومت نداشته است.

اولین تحریم ها بعد از تسخیر سفارت آمریکا و گروگان گیری کارمندانش که توسط گروهی وحشی پیرو خط امام انجام گرفت آغاز شد، در پی آن اتفاق، کشور آمریکا تحریم های اقتصادی بر علیه ایران وضع کرد.

این حکومت در بیش از سه دهه حکومت خود هیچگاه ذره ای به مردم و منافع آنها فکر نکرده و سردمداران آن یکی پس از دیگری فقط به جیب گشاد خود و عمر بیشتر نظام

مسئولیت مقالات مندرج در نشریه همبستگی با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در این نشریه به معنای تأیید مضمون آنها از سوی نشریه همبستگی نمیباشد

از این سایتها دیدن کنید

www.hambastegi.org
www.rowzane.com
www.cyoiran.com
www.iransolidarity.org.uk
www.wpiran.org

در حالی که سران رژیم همواره در خواب زمستانی بودند و از بی تاثیر بودن این تحریم ها سخن میگفتند این روزها رئیس کل بانک مرکزی و تعدادی نمایندگان مجلس به فلج کننده بودن تحریم ها و نیاز به هوشیاری و کمک گرفتن از بخش خصوصی برای به تعویق انداختن ورشکستگی و از هم پاشیدگی کامل

بیمه زنان در ایران

متوقف شد. ولی نه این طرح و نه صدها طرح و رفرم چاره و راه حل مشکلات زنان و مردم ایران نیست. راه حل نهایی سرنگونی حکومت اسلامی است که به دست خود مردم میسر است و مردم این را در تابستان ۱۳۸۸ به خوبی نشان دادند.

هدف شروع به کار کرد که زنانی که شغل و منبع در آمدی ندارند برای گذران زندگی و دوران از کار افتادگی از این بیمه استفاده کنند با این توصیفات زنانی که درآمدی ندارند یا با پس اندازی اندک که گاهی از باقیمانده آن خرجی خانه را هم کنار میگذارند چه آینده ای در کشوری که هر سال درصد تورم هم به شکلی باور نکردنی بالا میرود را دارند؟

اجرای این طرح به این شکل بوده که زنان خانه دار باید خودشان مبلغی را برای بیمه شدن پرداخت میکردند که تعدادی از آنها اینکار را هم کرده ولی بعد از مدتی این طرح متوقف می شود.

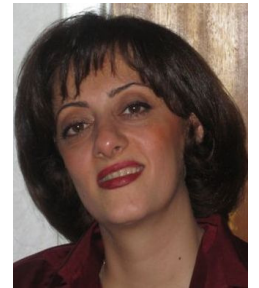
بی ثباتی اقتصادی، بیکاری، فقر، گرانی، اجاره های کمر شکن برای زنانی که تنها هستند یا مسئول بزرگ کردن چند کودک یا زنان از کار افتاده شریفی که يك عمر کارگری کرده اند بدون حمایت دولت چه بر سر آنها خواهد آمد؟

متأسفانه این طرح هم همانند طرحهای دیگر جمهوری اسلامی بقدری ناقص بود که اجرا نشده

جالب اینجاست که طرح حمایتی بیمه از جیب زنان مایه میگذارد تازه آنهم بدون نتیجه؛ در صورتیکه دولت قرار بوده سهم قابل توجهی از سهم بیمه زنان را بر عهده بگیرد و درصد کمی را زنان پرداخت کنند ولی در عمل این اتفاق نیفتاد و دولت کلی تبصره بدنبال آن آورد که در واقع بیمه شدن را برای بیشتر زنان سخت و حتی ناممکن کرد. این طرح مثلاً با این

در ایران باید يك میلیون و چهار صد هزار تومان دستمزد داد. زنان خانه دار در ایران هیچگونه آینده و پشتوانه ای در انتظارشان نیست و باید يك نظام اجتماعی و رفاهی مناسب برای آنها در نظر گرفته شود. در همین راستا طرحی توسط دولت مطرح شد به اسم طرح بیمه زنان خانه دار.

این طرح قرار بود توسط مسئولان وزارت رفاه و صندوق در ایران صورت گیرد این موضوع مدت زمان زیادی بطول انجامید ولی حتی پس از سالها وقفه هم اتفاق نیفتاد. این بیمه تحت لوای طرح بیمه حرف و مشاغل آزاد اجرا می شود که مورد نظر ۱۸ میلیون زن خانه دار کشور است.



مهشید هوشمند

طبق تحقیقات زنان خانه دار هر روز بیشتر از ۱۸ کیلومتر را در همان آشپزخانه کوچک خود طی میکنند در ظاهر تنها شاغلان در اقتصاد کشور سهم دارند در صورتیکه در يك تحقیق دانشگاهی آمده که زنان خانه دار ماهانه ۶۴۰ هزار تومان ارزش افزوده اقتصادی تولید میکنند.

طبق تحقیقات برای انجام کارهایی که يك زن خانه دار در يك خانواده متوسط انجام میدهد؛ به يك کارگر

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

Plusgiro
200974-4

پاسخ عبدالله اسدی به دو نامه از ایران

جناب اسدی سلام

ابتدا نیاز میبینم از شما بدلیل هدایت هموطنان ایرانی تشکر کنم. بدلیل اینکه میدانم شما پر مشغله هستید میروم سر اصل مطلب.

اینجناب سعید. ب. از سال ۱۳۸۵ جهت انجام خدمت به صورت قراردادی به استخدام نیروی انتظامی درآمد. بعد از گذشت ۷ ماه آموزش توسط یکی از آشنایان وارد ستاد پلیس اطلاعات و امنیت عمومی.... شدم. بعد از گذشت ۴ سال بدلیل شکنجه نمودن مردم توسط همکاران و دیگر مشکلات تصمیم به قطع همکاری با اداره اطلاعات گرفتم که البته مانع بنده شده اند و تهدید نموده اند که دیگر نمیگذاریم در جای

دیگری مشغول بکار شوی و اکنون با مسافرکشی با ماشین شخصی در حال گذران زندگی میباشم. حال چنانچه مقدر است راهنمایی کنید اگر بتوانم از ایران بصورت قانونی خارج شوم چگونه میتوانم به سوئد پناهنده شوم؟ به نظر شما اصلا امکان پذیرفتن من در سوئد امکان پذیر میباشد؟ با توجه به پول اندک بنده راهنمایی بفرمایید. حتی اگر جواب هم ندهید از اینکه توجه کردید سپاسگذارم. بنده و همسر من منتظر جواب شما میمانیم.

از شما متشکرم.

دوست عزیز آقای سعید. ب سلام امیدوارم حالتون خوب باشد. توجه شما را به چند نکته جلب می کنم.

اولا: به قول خودتان الان شما از همه چیز کنار کشیده اید و دارید زندگی می کنید و ظاهرا هم کسی به شما

کاری نداشته است. اگر شما به همین سادگی داستان زندگیتان را توضیح بدهید درخواست پناهندگی شما رد می شود. کسی که تقاضای پناهندگی می کند باید نشان دهد جان و زندگی اش در خطر بوده و مدتها بوده از سوی مراجع قضائی و امنیتی آن کشور تحت پیگرد قانونی بوده است. وضعیت پناهندگی تنها بواسطه تفکر ذهنی شما از ترس مورد بررسی قرار نمی گیرد، بلکه این ترس باید در چهارچوبی دیگر و تحت شرایطی بی طرف مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین مفهوم ترس موجه هم به صورت شخصی و هم در چهارچوبی بیطرف بررسی می شود و در تشخیص وجود ترس موجه هر دو عامل در نظر گرفته می شود. بنابراین شما باید هنگام پناهندگی دارای دلایل کافی و قانع کننده باشید و باید داستان زندگیتان را طوری توضیح دهید که ادارات

بخوانید تا با روش گفتگو با ادارات و مقامات امور پناهندگی آشنایی بیشتری پیدا کنید.

برایتان آرزوی موفقیت می کنم

عبدالله اسدی

جناب اسدی سلام مجدد،

بنده و همسر من از اینکه ما را راهنمایی کرده اید سپاسگذاریم.

ضمنا مشکلاتی را که هموطنان ما در آن کشور متحمل میشوند از طریق نشریه ای که ارسال کردید به دقت مطالعه نمودم و جای شگفتی ندارد که ما در ایران به لطف حکومت اسلامی از هیچکدام از اتفاقات دنیا خبر نداریم جز آنچه که به ما میگیرند.

راهنمایی و هدایت شما موجب جسارت ما در مکتبته بیشتر با شما میباشد.

بسیار بسیار ممنونیم.

با سلام و عرض خسته نباشید

جناب اسدی

من و همسر من از نظر اجتماعی و اقتصادی با اینکه هر دو نفر درس خوانده ایم ولی وضعیت ما خوب نیست بلکه بسیار بد است. قصد دارم که به کشور استرالیا پناهنده شوم راههای مختلفی را بررسی کرده بودم مثلا قرار بود که از طریق یک نفر رابط که از اطمینان داشت به اندونزی و از آنجا به استرالیا بروم هر چند که میدانستم خطرات زیادی وجود داشت اما من در زندگی چیز زیادی برای از دست داشتن نداشتم (آن کس که روزی صدبار از شرمندگی میمیرد یکبار مردن برای او هیچ است). با این همه داشتم به نفر مورد نظر (آدم پرون) پیش پرداخت میدادم که یکهو به سرم زد یک تحقیقی در اینترنت بکنم که متوجه شدم استرالیا در حال انعقاد قراردادی با مالزی است که کلیه پناهندگان دریایی را که با مرگ دست و پنجه نرم کرده اند به مالزی بفرستند که بسیار باعث تأسف است و القصد تمام رویاهایم را بر باد داد. من در مهندسی معدن خوانده ام و چند سالی هم تجربه کاری دارم شاید اگر در مضیقۀ مالی نبودم صبر میکردم و مهاجرت قانونی میکردم. مشکلات پناهجویان را چه با انعکاسات دروغ جمهوری اسلامی چه با حرفهای دلسوزانی چون فدراسیون سراسری پناهجویان را بارها خوانده ام ولی باور

قصد دارم که به کشور استرالیا پناهنده شوم راههای مختلفی را بررسی کرده بودم مثلا قرار بود که از طریق یک نفر رابط که از اقوام ما که به او اطمینان داشت به اندونزی و از آنجا به استرالیا بروم هر چند که میدانستم خطرات زیادی وجود داشت اما من در زندگی چیز زیادی برای از دست داشتن نداشتم (آن کس که روزی صدبار از شرمندگی میمیرد یکبار مردن برای او هیچ است). با این همه داشتم به نفر مورد نظر (آدم پرون) پیش پرداخت میدادم که یکهو به سرم زد یک تحقیقی در اینترنت بکنم که متوجه شدم استرالیا در حال انعقاد قراردادی با مالزی است که کلیه پناهندگان دریایی را که با مرگ دست و پنجه نرم کرده اند به مالزی بفرستند که بسیار باعث تأسف است و القصد تمام رویاهایم را بر باد داد. من در مهندسی معدن خوانده ام و چند سالی هم تجربه کاری دارم شاید اگر در مضیقۀ مالی نبودم صبر میکردم و مهاجرت قانونی میکردم. مشکلات پناهجویان را چه با انعکاسات دروغ جمهوری اسلامی چه با حرفهای دلسوزانی چون فدراسیون سراسری پناهجویان را بارها خوانده ام ولی باور

کنید که بسیار در مضیقۀ ام. حالا میخوام از طریق دعوتنامه بازرگانی جهت شرکت در سمینار و کنفرانس و از این چیزهای قانونی اگر ویزا گرفتم با هوایما برم.

اما سوالات من

۱- آژانس هوایمایی که مسئول این کاره، از من سند ملکی میخواهد که به نام من باشه و من ندارم حالا میگه عیب نداره آگه به نام پدرت یا اقوامت هم میشود. حالا بابای بیچاره من یک خانه ای دارد ولی من نمیونم بعد از این که من در فرودگاه پاسپورتم پاره کردم و یا وقتی رفتم پیش پلیس و گفتم من پناهنده ام چه بر سر سند من میاد؟ (آپارتمان رو آژانس هوایمایی یا سفارت استرالیا یا هر کس دیگری بالا میکشند؟ یعنی این سند رو تا پایان سفر من میخوانند گرو بگیرند؟)

۲- بعد از انتقال من به بازداشتگاه در استرالیا و بعدا کمپ تکلیف همسرم چه میشود؟ یعنی اگر من فرضا بعد از یکسال جواب مثبت بگیرم میتونم همسر را بهم پیش خودم یا نه باید کار پیدا کنم و بعد از تأیید یک سری جاها این امکان پذیر میشه؟ در اینصورت آیا با ویزای

تجاری که آژانس به میدهد میتونم مدارک همسر را هم را ارائه بدم؟

۳- دوستی دارم که از ارامنه ایران است. قول داده که از کلیسا برام نامه بگیرد که دینی را که نداشته ام تغییر داده ام و دوستی دیگر قول مدارکی دیگر را از دادگستری که مثلا به اجرای احکام احضار شده ام و ... آیا این کیس اگر رویش به دقت مطالعه و کار بشود خوب است؟

در آخر خواهشمند است اگر شما وقت کافی برای پاسخ ندارید و سوالاتم طولانی شد، لطفا تلفناتان را بفرستید تا تماس بگیرم و شخصا بپرسم با تشکر فراوان

شهرام از ایران

ببخشید که پاسخ به نامه شما بطلون انجامید، مدتهاست بدلیل مشغله های زیاد به نامه ها پاسخ نمی دادم.

سلام دوست عزیز آقای شهرام امیدوارم تاکنون برنامه خروجتان درست شده باشد. در رابطه با سئوالاتی که مطرح کرده اید توجه اتان را به چند نکته جلب می کنم. اولاً: نمی دانم چرا اینقدر روی رفتن به استرالیا پافشاری می کنید؟ چون واقعیت این است گرچه شما می

خواهید به شکل قانونی به آنجا سفر کنید ولی من سفر غیر قانونی به استرالیا را به کسی توصیه نمی کنم. تا آنجایی که به حفظ مدارک شما بر می گردد باید عرض کنم که هنگام اعلام پناهندگی، اداره مهاجرت آن کشور کلیه مدارک شما را جهت تحقیقات بیشتر در مورد تکمیل پرونده از شما می گیرد و تا زمان دریافت پاسخ مثبت به درخواست پناهندگی شما آن را پس نمی دهند ولی به شما رسید دریافت آنها را می دهند. در ضمن شما حق دارید هنگام تسلیم مدارکتان از مسئول پرونده تقاضا کنید که یک کپی از مدارکی را که در اختیار آنها گذاشته اید به شما برگردانند. ولی هوقت اقامت بگیرید همه آنها را به شما برمی گردانند. در واقع مدارک و سند ملکی شما از سوی اداره مهاجرت استرالیا ضبط نمی شود ولی در این مورد مراقب آژانس هوایمایی باشید.

دوما: در رابطه با همسرت در درجه اول توصیه من این است که چنانچه امکانش را داشته باشید باهم به استرالیا بروید. اگر نه، ایشان باید منتظر بماند تا تکلیف شما روشن شود آن وقت وی هم می تواند از راه



داود ربیعی

یکی از صدها پناهجوی ایرانی هستم که شرایط سخت پناهندگی را پذیرفته‌ام تا از زیر سایه سنگین اسلامی و دیکتاتوری جمهوری اسلامی فرار کنم. دیکتاتوری اسلامی در ایران بگونه‌ای ریشه‌دوانده که حتی در حرم خانواده‌ها نیز نفوذ کرده است.

خانواده‌های تندرو و مذهبی در ایران مسلمان زاده‌هایی به دنیا می‌آورند که

ترجیح شرایط سخت پناهندگی بر زندگی در دیکتاتوری اسلامی

و تصویرسازی نقض حقوق بشر در ایران برای جامعه متفاوت و فارغ از مذهب سونلی است. در کشوری که مذهب و دین نقش چندانی ندارد و انسانها در انتخاب باورهای خویش آزاد هستند و به راحتی از اعتقادات خود سخن می‌گویند، سخت می‌شود مشکلات جامعه‌ای مثل ایران زیر سلطه نظام اسلامی را به تصویر کشید اما با اینحال به مبارزه و اطلاع‌رسانی باید ادامه داد چرا که تنها راه رهایی مردم ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است و ما ساکنین خارج کشور سهم بزرگی در ایران مبارزه داریم و با توجه شرایط بازتر جوامع غربی، وظیفه ما است که با قدرت هر چه بیشتر و هر چه راسرتر فریاد بزنیم.

نابود باد حکومت اسلامی ایران.

برای رهایی انسانهایی که در بند رژیم خودکامه و خونخوار و سرمایه‌داری ایران هستند، همگام با سایر دوستانم در حزب کمونیست کارگری ایران در حال مبارزه می‌باشم. به امید اینکه روزی شاهد خلاصی و رهایی مردم ایران و جهان باشیم. با وجود شرایط سخت پناهندگی در سوئد، کماکان به مبارزات خویش ادامه می‌دهم. اما در اثر تبدیل شدن شرایط حاکم بر جامعه ایران به حالتی بسته و ایزوله، که هیچ ارتباطی با رسانه‌های جهانی ندارد با مشکلات زیادی در این راه مواجه هستیم. یکی از این مشکلات، سخت بودن آگاه کردن

کمک به رهایی هر چه سریع‌تر اشخاصی که در بند این نظام بودند با مخالفان رژیم آغاز کردم. این حرکت من اعلان جنگ هم در مقابل خانواده تلقی می‌شد و هم در قبال رژیم و در نهایت برای حفظ جانم مجبور به فرار از ایران شدم. در اثر انزجاری که از دین و اسلام در من پدید آمده بود به کمپین "ما از مذهب روی گردانیم" ملحق شدم و به حمایت از کسانی چون خودم که از اسلام متنفر هستند پرداختم و می‌پردازم. این خود گوشه‌ای از مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق یک دنیای بهتر میباشد.

پس از مدتی از دین و مذهب به خصوص اسلام و قوانین اجباری و غیر انسانی اش منزجر و متنفر می‌شوندم. من به عنوان فردی که تا چند سال پیش چنین شرایطی را در خانواده خود داشتم از سوی پدری که همکاری نزدیکی با نظام ضد انسانی اسلامی داشت برای خدمت به این رژیم خونخوار اسلامی تحت فشار قرار داشتم. با وجود فشارهایی که از سوی خانواده جهت هر چه بیشتر به اسلام و نظام گرویدم بر من وارد می‌شد به مبارزه علیه این رژیم ادامه دادم و با استفاده از موقعیت پدرم همکاری خود را جهت

من از تحمیل بی حقوقی و زندگی جهنمی فرار

اسلامی تنها به فکر جیبهای گشاد خود و ساختن نیروگاههای هسته‌ای هستند. جامعه ایران به مانند کوه آتشفشانی است که سالها خاموش بوده و هر از چند گاهی کمی لرزیده است اما اینبار از این سوی جهان صدای غرش درونی این آتشفشان میتوان شنید. فوران این آتشفشان همت همه ما مردم را میطلبد باید مبارزه کرد از پا نشت تا سرنگونی جمهوری اسلامی. به امید روزی که به دست ما مردم این حکومت سرنگون گردد.

برقرار باد آزادی، نابود باد جمهوری اسلامی

* * * * *

تحمیل کرده است که زندگی ساده و بی دغدغه در آن بی معنی شده است. اکثر جوانان دچار اعتیاد به مواد مخدر شده‌اند. کمترین امکانات پزشکی و خدمات درمانی برای ترک اعتیاد در اختیار آنها نه تنها قرار نمی‌گیرد بلکه روز به روز هر چه بیشتر به تعداد جوانان مردم که در کنار خیابان در حال پرپر شدن هستند افزوده میشود. زندانهای جمهوری اسلامی مملو است از زندانیان سیاسی و فروشندگان مواد مخدر در حالی که پخش و توزیع مواد مخدر از سوی خود مسئولین نظام صورت می‌گیرد. هیچ وقت از یاد نمی‌برم فرد معتادی بر اثر توهومات فکری، کودک ۵ ساله خود را به قتل رساند. اعتیاد تنها گوشه‌ای از فلاکتی است که بر مردم ایران تحمیل شده است. وضعیت اقتصادی مردم روز به روز اسفناکتر میگردد. تحریمهای همه جانبه دول غربی، عرصه زندگی را هر چه بیشتر به مردم تنگ میکند اما سردمداران نظام

نه پدر و نه هیچ فرد و قانونی دیگر. جمهوری اسلامی چنان تاثیر منفی روی موقعیت فرودست زنان گذاشته است که نابرابری زن و مرد را در بسیاری از موارد به باور عمومی تبدیل کرده و وقتی اعتراضی نیز صورت بگیرد از طرف بخشی از همان مردم مورد هجوم واقع میشود. بسیاری از زنان در مقابل شغلی که به آنها واگذار می‌شود مورد سواستفاده مسئولین قرار می‌گیرند و بخاطر حفظ شغل و آبرو صدایشان در نمی‌آید. به زنان تنها، خانه اجاره نمی‌دهند خلاصه اینکه زنان از هر زاویه‌ای در جامعه ایران پاسخ منفی می‌گیرند. زنان در ایران حمایت قانونی را در دفاع از خود ندارند همین مساله باعث شده حقوق زنان در تمام شئون زندگی پایمال شود و مورد بیشترین بی حقوقی، سواستفاده و تبعیضات جنسیتی قرار بگیرند به همین دلیل در بسیاری از مناطق ایران آمار خودسوزی زنان روز بروز افزایش می‌یابد. حکومت اسلامی شرایطی را به جامعه ایران و به مردم آن کشور

به ازدواج اجباری شدم که از حق دینم مادرم سالها محروم و در کنج خانه ایزوله شده بودم. من از دست چنین شرایطی فرار کردم. از دست سنن و آداب و رسوم عقب مانده و مردسالار، از دست بکار گرفتن قوانین پوسیده اسلامی و ضد زن. از نظر من و از نظر دنیای پیشرفته و متممن، ازدواج اجباری یعنی تن دادن به تجاوز، یعنی خرید و فروش کالا، یعنی اینکه زن فقط وسیله‌ای است برای لذت جنسی مردان. من این بردگی را نپذیرفتم زنجیر این بردگی و حقارت را پاره کردم و پا به فرار گذاشتم. هنگامی که به این شرایط محکوم شدم هیچ درک و فهمی از احساسی از زن بودن و تشکیل خانواده نداشتم. چرا می‌بایست در سن ۱۶ سالگی مجبور به ازدواج شوم آنها با مردی معتاد که جز آزار و اذیت و شکنجه روحی و جسمی و تحمیل یک زندگی غیر انسانی نتیجه دیگری برای من نداشت!! در حالیکه من می‌بایست درمورد زندگی خصوصی خودم تصمیم بگیرم



فاطمه ناظم

در جوامع اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران، زنان جز بی حقوقترین اقشار جامعه هستند چرا که نه در دادگاهها و نه در هیچکدام از مراجع قضایی و نه حتی در کانون خانواده، نه تنها از حقوق مساوی برخوردار نیستند بلکه هیچ ارزش و احترامی به مقام زن قائل نمی‌شوند.

زنان و دختران جوان حق اظهار نظر یا صحبت در مورد حق و حقوق و اختیارات خود را ندارند. در بسیاری از خانواده‌ها والدین صرفا به عنوان "بزرگترها" حق مسلم خود میدانند که در مورد زندگی و آینده فرزندان بویژه فرزندان دخترشان تصمیم بگیرند. برای مثال دختری که پس از جدایی والدینش حضانتش به پدر داده می‌شود و در بسیاری موارد از دیدن مادرش محروم می‌شود؛ خود یکی از آنها بودم. محکوم به ازدواج اجباری شدم. نه تنها محکوم

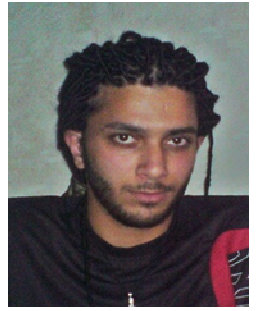
تماس با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

دبیر فدراسیون: عبدالله اسدی

تلفن: ۰۰۶۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

asadiabe@gmail.com

abe.asadi@globalnet.net



شایان حیاتپور نیکی

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه مواردی از فحاشی و توهین در آیات قرانی

یعمهوناللة تمسخرشان میکنند و آنان را سرگردان در ستمکاری شان سوق میدهد.

سوره بقره - آیه ۶۵:

ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبّ فقلنا لهم کونوا قرده خاسنین به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید. ما به آنها گفتیم: به صورت بوزینه هایی طرد شده درآیید.

سوره بقره - آیه ۱۷۱:

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لا یسمع إلا دعاء و نداء صم بکم عمی فهم لا یعقلون مثل کافران، مثل حیوانی است که کسی در گوش او آواز کند و او جز بانگی و آوازی نشنود اینان کرانند، لالانند، کورانند و هیچ در نمی یابند.

سوره مائده - آیه ۶۰:

قل هل أتینکم بشر من ذلک مشوبه عند الله من لعنة الله و غضب علیه و جعل منهم القردة و الخنازیر و عبید الطاغوت أولئک شر مکانا و أضل عن سواء السبیل

بگو: آیا شما را از کسانی که در نزد الله کفری بدتر از این دارند خبر بدهم: کسانی که خدایشان لعنت کرده و بر آنها خشم گرفته و بعضی را بوزینه و خوک گردانیده است و خود بت پرستیده اند؟ اینان را بدترین جایگاه است و از راه راست گمگشته ترند.

سوره اعراف - آیه ۱۶۶:

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خاسنین آری، هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: به شکل میمون هایی طرد شده در آیید.

سوره اعراف - آیه ۱۷۶:

مثل کسانی که به تورات مکلف شدند ولی به آن عمل نکردند همچون خری است که کتابهایی را حمل کند، چقدر بد است مثل قومی که آیات الله را تکذیب کردند. الله ستمکاران را هدایت نمی کند.

سوره انبیاء - آیه ۶۷:

أف لکم و لما تعبدون من دون الله أ فلا تعقلون تف بر شما و بر آنچه غیر از الله می پرستید مگر نمی اندیشید.

سوره انفال - آیه ۲۲:

إن شرّ الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون بدترین جانوران در نزد الله این کران و لالان هستند که در نمی یابند.

سوره انفال - آیه ۵۵:

إن شرّ الدواب عند الله الذین کفروا فهم لا یؤمنون به یقین، بدترین جنسندگان نزد الله، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند.

سوره انعام - آیه ۳۵:

و إن کان کبر علیک إعراضهم فإن استطعت أن تبغی نفقا فی الأرض أو سلما فی السماء فتأتیهم بایة و لو شاء الله لجمعهم علی الهدی فلا تکونن من الجاهلین

و چنانچه انکار و اعتراض آنها تو را سخت و گران می آید اگر توانی نقبی در زمین بساز یا نردبانی بر آسمان برافراز تا آیتی بر آنها آوری و اگر الله میخواست همه را مجتمع بر هدایت میکرد: پس تو البته از جاهلان مباش.

اما در مقابل، مسلمانان تاب و تحمل شنیدن کوچک ترین انتقادی درباره اسلام، تناقضات قرآن، حقایق تاریخی

و لو شئنا لرغناها بها و لکنه أخذ الی الأرض و اتبع هواه فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلہث أو یتترکه یلہث ذلک مثل القوم الذین کذبوا بآیاتنا فاقصص القصص لعلهم یتفکرون و اگر میخواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می بخشیدیم، لیکن او به زمین تن فروماند و پیرو هوای نفس گردید، و در این صورت مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن تکذیب کردند. پس این حکایت بگو، باشد که به فکر آیند

سوره توبه - آیه ۲۸:

یا ایها الذین آمنوا إنا المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و إن خفتم عیلة فسیوف یغنیکم الله من فضله إن شاء إن الله علیم حکیم ای کسانی که ایمان آورده اید، مشرکان نجسند و از سال بعد نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر از بینوایی می ترسید، الله اگر خواهد به فضل خویش بی نیازتان خواهد کرد زیرا الله دانا و حکیم است.

سوره مدثر - آیات ۴۹، ۵۰، ۵۱:

فما لهم عن التذکره معرضین کأنهم حمر مستنفره فرت من قسوره چه شده که است از این پند اعراض می کنند؟ مانند خران وحشی که از شیر می گریزند.

سوره جمعه - آیه ۵:

مثل الذین حملوا التوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل أسفارا بس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله و الله لا یهدی القوم الظالمین

درباره محمد و آیات قرآن ندارند و با سفته های گوناگون از پاسخ دادن به این حقایق درباره دینشان فرار می کنند. شماری از سفته های رایج که در گفتگو با اسلام گرایان رایج است: حق توهین به مقدسات را ندارید! شما اسلام ستیزان به مقدسات مسلمانان فحاشی می کنید! شما فقط بلید مسخره کنید! درباره محمد و قرآن و امامان شیعه از واژه های زنباره، پدوفیل، جنایتکار، راهزن و... استفاده نکنید! برجسب زدن به غیرمسلمانان و دگراندیشان و بکار بردن واژه های نجس، کافر، ملحد، مرتد، مشرک، فاسق و... در اسلام توهین نیست! نجس خطاب کردن دگراندیشان در قرآن توهین نیست! منظور نجاست روحی معنوی است نه نجاست جسمانی! نجس خطاب کردن غیرمسلمانان جزو تمثیل های الهی است! در قرآن گفته شده به کفار فحاشی نکنید!!

اینها نمونه هایی از بدزبانیهای قران نسبت به دگراندیشان و نمونه هایی از جملاتی است که اسلامگرایان در دفاع از خود عنوان میدارند. تمامی اینها و دیگر آیات و نشانه ها و احکام اسلامی فقط برای تحمق هر بیشتر مردم و تسلیم آنها برای به انقیاد کشاندن هر چه بیشتر مردم است. اسلام و دیگر ادیان همه و همه فقط قید و بندی است بر دست و پای بشر برای ممانعت از آزادی بیان، اندیشه و کردار است چرا که اینها موقعیت عده قلیلی را به خطر میندازد. ادیان و مذاهب برای گرفتن اختیار از انسان بوجود آمده اند. اما اکنون در قرن بیست و یک، انسان متمدن میدانند که اختیار طبیعی ترین چیزی است که بشر باید داشته باشد. دیگر دوره مذهب و تحمق مردم به وسیله آن به سر آمده است. دست مذهب از زندگی مردم کوتاه

در دین اسلام و بر اساس آیات قرآن، مسلمانان آزادند همه غیرمسلمانان، دگراندیشان، منتقدان اسلام و حتی پیروان ادیان دیگر را هرگونه که خواستند مورد توهین و فحاشی قرار دهند و آنها را با القاب و برجسب های زشت و توهین آمیز خطاب کنند از جمله: ابله، نادان، حیوان، چهارپا، بوزینه، خوک، سگ، نجس، زنزاده، فاسق، بی شعور و... و با تلاوت کردن هرروزه این آیات الهی از شواب دنیوی و اخروی بهره مند شوند. برای بهتر آشنا شدن با آزادی فحاشی در قرآن و اسلام و همچنین فرهنگ و تربیت و ادب اسلامی ناب محمدی، نمونه هایی از آیات قرآن که نشانگر توهین و فحاشی های رکیک می باشد نقل می شود:

سوره بقره - آیه ۱۰:

فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب ألیم بما کانوا یکذبون در دلهایشان مرضی است و الله بر مرضشان افزود و به سزایی [آنچه به دروغ می گفتند، عذابی دردناک] در پیش خواهند داشت.

سوره بقره - آیه ۱۳:

و إذا قیل لهم آمنوا کما آمن الناس قالوا أؤمن کما آمن السفهاء ألا إنهم هم السفهاء و لکن لا یعلمون و هنگامی که به آنان گفته شود: همانند سایر مردم ایمان بیاورید، می گویند: آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟! بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمی دانند.

سوره بقره - آیه ۱۵:

الله یتستزئ بهم و یمدّم فی طغیانهم

پیروزی باد انقلاب مردم ایران، بر قرارباد حکومت انسانی، نابود باد حکومت

ادامه نامه سرگشاده عبدالله اسدی ... از صفحه ۱

سید خدر میرسییدی و خانم ساناز غلامحسینی ایزدی را به ایران صادر کرد و تنها ۱۵ روز به آنها مهلت داد تا خاک ترکیه را ترک نمایند. این پناهجویان در طول ۷-۸ ماه گذشته برای نجات دختر مبتلا به هموفیلی و خانواده اش تلاشهای زیادی کردند و شرایط وحشتناک زندگی این خانواده را به مجامع بین المللی مخابره نمودند و صدها سایت و روزنامه و رادیو و تصاویر و صدای آنها را منعکس کردند. بعلاوه اعضای این انجمن پناهندگی در همین ۷-۸ ماه گذشته برای پذیرش تقاضای پناهندگیشان خود تلاشهای زیادی را به عمل آوردند که خوشبختانه چهار نفر از آنها بالاخره از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به عنوان پناهنده پذیرفته شدند.

ایرانی می شود؟ چرا باید ماهانه دهها پرونده پناهجویان ایرانی استیناف بگیرد؟ من بخوبی بر نحوه بررسی پرونده پناهجویان بر مبنای دلایل شخصی افراد آگاهی دارم و می دانم که بر همین اساس تحقیقات و بررسی پرونده پناهجویان از جانب یوان بسیار ناپیگر و غیرعادلانه صورت می گیرد. آیا واقعا کمیساریای عالی سازمان ملل از شرایط سیاسی و اجتماعی در ایران خبر ندارد و اوضاع روز ایران را تعقیب نمی کند؟ مگر این سازمان نمی داند هرنوع مخالفت و فعالیت سیاسی افراد در ایران کنترل و تحت تعقیب قرار می گیرد؟ مگر این همه بی عدالتی و محاکمات غیرعادلانه که در کشور ایران و در حق مردم این کشور صورت می گیرد دلیل اصلی افزایش متقاضیان پناهندگی از ایران نیست؟ برخورد یوان به اعضای انجمن پناهجویان ایرانی در ترکیه یک شاخص مهم از عدم توجه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به حق و حقوق متقاضیان پناهندگی از ایران است. معلوم نیست این پناهجویان چکار باید می کردند تا به عنوان پناهنده پذیرفته می شدند؟ مثل

اینکه همه عالم و آدم این گروه از پناهجویان را می شناسند و می دانند که همه آنها از فعالین سیاسی هستند و از ترس زندان و شکنجه به این سازمان پناه آورده اند.!!!! جزء کمیساریای عالی پناهندگان در ترکیه. در ایران آمار اعدامها نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه بیشتر هم شده است، شکنجه افراد و اعتراف گیری اجباری از زندانیان سیاسی و بیرحمی نسبت به رعایت حقوق متهمان هیچ حد و مرزی را نمی شناسد. بازداشتهای بی رویه و محاکمات غیرعادلانه فعالان کارگری و دانشجویی، سرکوب زنان بدلیل عدم رعایت پوشش و شئون اسلامی و بازداشت فعالین حقوق زن، تعقیب فعالین انجمنهای مدافع حقوق بشر و روزنامه نگران و ایجاد فضای ترس و وحشت در میان مردم و دامن زدن به فضای پلیسی و کنترل فعالیت سیاسی ایرانیان در خارج از کشور دلایل اصلی افزایش متقاضیان پناهندگی از ایران است. دو ماه پیش اداره مهاجرت سوئد طی یک اطلاعیه اعلام کرد: تحقیقات این اداره نشان می دهد که رژیم ایران فعالیت های سیاسی پناهجویان را در سوئد و در

خارج از مرزهای ایران کنترل می کند. به همین دلیل اداره مهاجرت این کشور اعلام کرد که در بررسی پرونده پناهجویانی که در سوئد فعالیت سیاسی می کنند دقت بیشتری خواهد نمود. جهت اطلاع دفتر یوان در ترکیه شهرت فعالیت های سیاسی - اجتماعی اعضای انجمن حمایت از پناهجویان حداقل در طول ۷-۸ ماه گذشته در بسیاری از سایت ها و رسانه های مختلف ایرانی و بین المللی منعکس شده است و به سبب این فعالیت ها حتی اگر تا یک سال پیش زیاد شناخته نمی شدند اکنون همه آنها به شخصیت هایی شناخته شده در مبارزه علیه رژیم ایران تبدیل شده اند. آیا به نظر یوان و با توجه به توضیح شرایط فوق و افزایش ناامنی در ایران امنیت پناهجویان نامبرده در خطر بیشتری قرار نمی گیرند؟ آیا یوان فکر نمی کند هرآن ممکن است پلیس ترکیه بدلیل شرایط نامشخص اقامت این پناهجویان، آنها را به ایران دپورت کند؟ بارها گفته ایم که در ایران یک حکومت فاشیستی - مذهبی حاکم است که صدای هر مخالفی را با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می دهد.

پناهجویان ایرانی محصول چنین شرایطی هستند. آیا حتی اگر چشم از دلایلی که پناهجویان نامبرده، همان روزاول در مصاحبه با یوان انجام داده اند پشیم؛ تنها بدلیل فعالیت سیاسی که در ترکیه علیه رژیم ایران انجام می دهند نباید بر اساس شرایط Sur Place مورد حمایت بین المللی قرار گیرند؟ یکی از شاخصهای پذیرش پناهندگان بر اساس مفاد کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۵۱ عضویت آنها در احزاب و گروههای سیاسی و اجتماعی است که این افراد هم از چنین مشخصات و دلایلی برخوردار هستند.

از این جهت از جانب فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل می خواهم که بر مبنای دلایلی که در بالا به آنها اشاره کردم به وضعیت فلاکتبار این پناهجویان رسیدگی نماید تا از گرفتاری که دچار شده اند نجات یابند.

با احترام
عبدالله اسدی
دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۱۶ ژانویه ۲۰۱۲



فرهاد هرباشی

تهاجم و تاراج

را بدهند. مگر غیر از اینست که هر از گاهی در تاریخ کشورمان حاکمانی بی کفایت و نادان داعیه حکومت داشته اند و برای توجیه اعمال و ادامه حکومت خود سیاستهای غلط را پیشه کرده و یک ملت را به سوی نابودی سوق داده اند آنطور که خود از یکسو به جان و مال مردم افتاده اند و از سوی دیگر دست بیگانگان را باز گذاشته تا شیره جان ملت و مملکت را بکشند. مگر در تاریخ بیاد نداریم از حمله مغولها تا امروز که جمهوری اسلامی حقوق حقه ملت را زیر پا له کرده و جان و مال ملت را به تاراج بردند و میبرند، ملتی آزادیخواه که دانشمندان آن را بایستی ترور شوند و یا باید در بالاترین مقامهای اجرائی به بیگانگان خدمت کنند. مگر نه

اینکه در این برهه از زمان در دنیا اقتصاد سالم و فن آوری که حرف اول را میزند برای پیشبرد اهداف دولتها در جهت تحصیل رفاه اجتماعی برای همان ملت بکار میرود که سرمایه اولیه آن درآمد کشورها از راههای مختلف است؟ آیا کشور ما فقیر است؟ نه هرگز، که بر اساس گزارش ها فقط در دولت احمدی نژاد فقط ۷۲۰ میلیارد دلار درآمد کشور بوده است و نه تنها بغیر از فقر و بدبختی و گرانی و تورم چیزی را برای مملکت به ارمغان نیاورده بلکه در این راستا جیب تروریستهای همچون حماس و حزب الله و سوریه و ... پر کرده که به امید اینکه بتواند موقع لزوم برای سرکوب و ناامنی منطقه از آنان استفاده کند که آنهم عاقبتش معلوم نیست که بررسی و بحث در خصوص هر یک از این موارد بنویسه خود جایگاهی تخصصی و زمان خودش را

میطلبد. مگر ساختن ۱۰۰۰ کیلومتر راه آهن و یا ۱۰۰۰ کلاس درس و یا ۱۰۰۰ کیلومتر اتوبان و ... چقدر سرمایه لازم دارد و چقدر وقت نیاز دارد که با صرف این سرمایه در داخل کشور چیزی جز رفاه برای ملت خودش و بدست آوردن آرا یک ملت حاصل دیگری نخواهد داشت.

اما حکومت جمهوری اسلامی با عوامفریبی و بدلیل هویت انسان ستیزی که دارد برای ادامه حکومت خود تمام دانشمندان و متخصصان را فراری داده و یا زندان انداخته و اراذل و اوباش خودش و افرادی نالایق و بدون تخصص را در پستهای حساس گمارده و به آنها دستور داده شده که بهترین نوع خدمت چیزی نیست بغیر از تاراج بردن و حیف و میل کردن سرمایه های مردم و وارد آوردن فشار بر ملت، که برآستی این نامردمان دستورات را بخوبی اجرا کردند و

حاکمیت ملی را زیر پا گذاشتند تا جائیکه پس از گذشت بیش از سی سال با حماقت تمام میخواهند سر مردم را گرم کنند و با توحش و زور حکومت کنند و با انرژی هسته ای سر مردم را گرم کنند اینها بقولی قورباغه را رنگ میکنند و بجای فولکس واگن به ملت میخواهند بفروشند! که حصول هر کدام از این موارد به چه قیمتی باید برای یک ملت ارزش داشته باشد؟ آیا کسی نیست که از اینها جواب پس بگیرد که این ثروت سرشار کجا رفته است؟ این عقب افتادگی صنعتی را که بنویسه خودعامل اصلی فقر و بیکاری است را چه کسی باید جواب دهد! ولی بدانید که این ملت است که بالاخره با اتحاد و یکپارچگی جواب را پس خواهد گرفت و جمهوری اسلامی را که باعث و بانی همه بدبختی هاست به گور خواهد سپرد.

ادامه مصاحبه با عبدالله اسدی ویژه ... از صفحه ۱

معاینات اساسی قرار نمی گیرند. اعتراض به بازداشت‌های بی رویه و طولانی مدت و کم توجهی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و ادارات و مقامات امور پناهندگی، جنبه های دیگری از فعالیت فدراسیون برای دفاع از حقوق پناهندگان است. دفاع از ایجاد بهبود و فراهم کردن شرایطی بهتر در محیط جدید برای پناهجویان از جمله فعالیت‌های دیگر فدراسیون است.

در جایی مثل سوئیس که دفاتر اکثر سازمانها و نهادهای بین المللی و طرفدار "حقوق بشر" مستقر است برای پناهندگان کمپهای ازلی و ابدی ساخته اند. کمپهایی که به دور آن سیم خاردار کشیده اند و به محلی برای زندگی ابدی آنها تبدیل شده است. بسیاری از کمپهای پناهندگی در سوئیس اگر اجباری نباشد نه تنها شایسته زندگی انسان نمی باشند بلکه شایسته زندگی برای حیوانات هم نیستند.

به علاوه گرفتن اقامت در سوئیس کار بسیار طولانی و پرزحمتی است. دریافت پاسپورت تابعیت سوئیس در شرایط امروز بعضا غیر ممکن شده است. در انگیس در بسیاری از موارد متقاضیان پناهندگی را از شش تا یک سال در بازداشتگاهها نگاه می دارند. تبعیض و تحقیر و برخوردهای راسیستی به پناهجویان مخصوصا در پی شروع بحران اقتصادی از هر دوره بدتر شده است.

در ایران به افغانیهای مقیم این کشور شناسنامه و کارت ملی نمی دهد و اجازه ازدواج و کار و حق تحصیل هم نمی دهند. یعنی قانونا بخش زیادی از انسانهایی را که بدلیل جنگ و

نامنی از کشور همسایه وارد ایران شده اند از پایه ای ترین حقوق انسانی محروم کرده اند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی اساسا برای دفاع از حق و حقوق پایمال شده پناهندگان و کم کردن بار فشار روی آنها در جامعه جدید تشکیل شده است و من در رأس این سازمان خود را مجری و پیش برنده اهداف سیاسی و انسانی حزب کمونیست کارگری ایران در عرصه دفاع از حقوق پناهندگی می دانم.

من همیشه گفته ام فدراسیون وسیله ای است برای نجات انسانهای گرفتار، گرفتار در بازداشتگاههای طولانی مدت، گرفتار در صفت انتظار برای اخذ حق پناهندگی، گرفتار در پشت دریهای بسته کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، مشاوره و آماده کردن پناهجویان برای مصاحبه و رفتن به دادگاهها و جلوگیری از اخراج و سازماندهی و متشکل کردن آنها برای دفاع از حقوق انسانی خود همه و همه عرصه های دیگری از فعالیت فدراسیون هستند که در پی انجام آنها دنیایی دیگری را بر روی پناهجویان می کشاید.

در واقع فدراسیون سازمانی است برای کمک و تاثیر گذاری بر حیات پناهجویان برای رسیدن به يك زندگی بهتر. ما کسانی هستیم و جزو سازمانی هستیم که برای دفاع از حقوق انسانی پناهندگان، خودمان را در چهارچوب سند مصوب ۱۹۵۱ کنوانسیون ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ محدود نکردیم و علیرغم موانع زیادی که بعد از دهه نود و پایان جنگ سرد در مقابل پناهجویان بوجود آمد، از همه حقوق انسانی و برابر آنها دفاع کردیم و سیاستهای راسیستی دولت‌ها را به نقد کشیدیم.

درست در دورانی که پایان جنگ سرد را اعلام کردند و پایای آن پایان عصر پناهندگی سیاسی را از شرق به غرب اعلام کردند، تازه عصر پناهندگی سیاسی از ایران در پی سرکوب خوین انقلاب مردم از سوی جمهوری

اسلامی آغاز شده بود. در پس شرایطی که در آن دوره پیش آمده بود، تلاش کردیم تا زنان که از دست قوانین اسلامی و مردسالار فرار می کردند عملا مشمول مفاد کنوانسیون ژنو بشوند.

اینها در شرایطی صورت می گرفت که دولتهای غربی می خواستند

بلوک شرق شهرت داشت کاملا متفاوت است. به همین اعتبار نگاهش هم به همه مسائل دنیای امروز جدید و متفاوت است. تشخیص تفاوت ما با آنچه که تاکنون به کمونیسم مربوطش میکردند ساده است. کافی است به برخورد حزب ما به مذهب، به برابری زن و مرد، به حقوق کودکان، به معتادین و مصرف



مراسم بیستین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران در فرانکفورت

براساس سیاست نسبیت فرهنگی، زنان فراری را بازداشت کنند، روسری سرشان کنند و از آنها برای گذرنامه عکس بگیرند و به کشور خود بازگردانند. ما علیه این سیاستها مبارزه کردیم و توجه جامعه را نسبت به غیر انسانی بودن سیاست نسبیت فرهنگی جلب کردیم و تصمیم این دادگاهها را به زمینه ای برای محاکمه خود آنها تبدیل کردیم.

در پاسخ به سؤال شما که چرا من به عنوان عضوی از رهبری حزب کمونیست کارگری به مسئله پناهندگی توجه دارم باید تاکید کنم که پایه و اساس حرکت حزب ما بر اساس دفاع بی قید و شرط از حرمت و حقوق انسان بنا شده است و موضوع فعالیت من در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تلاشی برای تحقق همین هدف است.

تا آنجایی که به معنای انسانی این تلاش ها برمی گردد، من عضو حزبی هستم که امروزی فکر می کند و کمونیسمی که حزب ما نمایندگی اش می کند با کمونیسمی که سابقا در

کنندگان مواد مخدر و نگاه حزب ما به نوع دخالت طبقه کارگر در سرنوشت جامعه و تفاوتش با کل کمپ چپ تاکنون موجود نگاه کنید؛ آن وقت معنی سیاسی و انسانی دخالت و دفاع حزب ما از حقوق پناهندگان و درک علت تشکیل سازمانی مثل فدراسیون برای پیشبرد این امر آسانتر می شود.

درست در دورانی که موج جدید آوارگان و پناهندگان از ایران جریان داشت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برای دفاع از حقوق آنها تشکیل شد و از آن موقع تاکنون در دفاع بی قید و شرط از حقوق پناهندگان هم از نظر انسانی و هم از نظر سیاسی نقش بسیار ارزنده ای ایفا کرده است و تاثیرات بسیار مهم و تاریخی در روند زندگی آنها گذاشته است.

از نظر سیاسی هم بسیار مهم بود پناهندگانی که در پس سرکوب خوین جمهوری اسلامی فرار می کردند در خارج از مرزهای ایران متشکل شوند و توجه افکار عمومی را در کشورهای محل اقامت خود به جنایت جمهوری

اسلامی جلب و از حقوق پناهندگی خود بدلیل شرایط موجود در ایران دفاع کنند تا آنجایی که به جایگاه مبارزه خود من در دفاع از حقوق پناهندگان به عنوان يك کمونیست برمی گردد، باید تاکید کنم که تلاش من در عرصه دفاع از حقوق پناهندگان یکی دیگر از تفاوت‌های ما با چپ سنتی است.

بارها با این اظهارات برخورد کرده ام که گویا عرصه های فعالیتی که حزب کمونیست کارگری به آن نیرو اختصاص می دهد و برایش سازمان و نهاد درست می کند ربطی به دخالت کمونیستها ندارد. برای مثال، از نقطه نظر این جریان‌ها چپ سنتی، برخورد ما با مذهب، با حجاب اجباری و حتی با برابری زن و مرد، دفاعمان از حقوق کودکان، و یا دیدگاه این حزب نسبت به دخالت طبقه کارگر در سرنوشت کل جامعه و یا موضوع فدراسیون و دفاع بی چون و چرای ما از حقوق پناهندگی ربطی به کمونیسم ندارد. ما برعکس فکر میکنیم که اتفاقا کمونیسم و طبقه کارگر مدافع حقوق انسانها در همه عرصه هاست. عرصه دفاع از حقوق پناهجویان هم یکی از این عرصه هاست. *

سرنگون باد حکومت جنایت اسلامی

ادامه کشور های پناهنده پذیر مسئول مستقیم ... از صفحه ۱

دونلی است که با مرگ دارند و مرگ در گلوگاه مسیر ناهموار پناهجویی به کمین آنها نشسته است...

پناهجویان سخت در تلاشند تا خود را به کشور سوم برسانند شاید زندگی بهتری را فارغ از جنگ و دیکتاتوری تجربه کنند اما پیش از رسیدن به کشور سوم، بسیاری از صخره ها پرت شده اند، تعداد بی شماری به قهقرای دریاها کشیده شده اند و عده ای در سرما یخ زده اند... چه با قایق و چه پیاده، پناهجویان به دام قاچاق بران انسان گرفتار می شوند که به گروگان گرفته می شوند و مورد شکنجه روحی و جسمی قرار می گیرند تا زمانی که پولی برای نجات جانشان فراهم آورند.

هر ساله اجساد ده ها پناهجوی ایرانی، افغانی، عراقی، سومالیایی، سریلانکایی و... توسط پلیس مرزی ترکیه، یونان، استرالیا، اندونزی، مالزی، پاکستان، عراق و... به کشور هایشان بازگردانده می شود، که یا از جانب قاچاقبران انسان به قتل رسیده اند یا توان راهپیمایی کوههای صعب العبور را نداشته گرسنه و تشنه تلف شده اند، یا در کانتینرهای نفت کش خفه شده، یا در دریا غرق شده اند و یا از شدت سرما یخ زده اند... قاچاقچیان انسان از ابتدا تا مقصد، در کشورهای مختلف در کمین پناهجویان هستند. بیشتر آنان تنها چیزی که برایشان اهمیت ندارد، زندگی پناهجویان است. هر جایی که پلیس به آنان هجوم می آورد، براحتی پناهجویان را ترك کرده و خود متواری می شوند و هر جایی که می توانند پناهجویان را به قاچاق چیان دیگری می فروشند.

بسیاری از پناهجویان ادعا دارند که قاچاق بران جاهای مخصوص به خود ساخته اند. همچون غرفه ها و سنگر هایی که پناهجویان گرفتار را در آنجا زندانی می کنند. اگر قاچاق بران توسط پلیس شناسایی شوند صد

درصد جان پناهجو در خطر است. شاهدان به چشم خود دیده اند که در حین مسیر با اجساد مواجه شده اند که ماهها از مرگشان گذشته و استخوان هایشان به جای مانده است. اگر پناهجویان از دست قاچاق بران رهایی یابند، توسط پلیس شناسایی شده و ماهها و سالها را در زندانهای یونان، اندونزی، ترکیه و ایران با شرایط غیر انسانی محبوس و دوباره به کشور هایشان بازگردانده می شوند. همه ساله جنازه ده ها تن از جوانان و زنان و کودکان و مردان پناهجو به کشورشان بازگردانده می شود بی آنکه کسی دادخواستی ارائه دهد و پاسخی بخواهد و یا شکایت نامه ای تنظیم شود!!

معمولا دو راه برای پناهنده شدن وجود دارد که قربانیان اصلی این بازی پناهجویان هستند. راه اول خروج از کشور خود با تمامی سختی های پیش رو و رفتن به نزدیک ترین کشور و درخواست پناهندگی از طریق سازمان ملل متحد است. بخش پناهندگی سازمان ملل متحد یا یو ان اچ سی آر، پروسه ای طولانی دارد و پناهجویان مجبورند ماه ها و گاه سالها منتظر پاسخی از دفتر پناهندگان و پناهجویان سازمان ملل باشند. در بسیاری مواقع نیز پاسخ دفتر سازمان ملل به درخواست پناهندگی منفی ست و هر چند پناهجویان بی شماری هستند که با وجود پنج الی ده سال که پناهندگی آنها پذیرفته شده اما زندگی بطالت باری را سپری می کنند. بسیاری از پناهجویان که تمام زندگی خود را به حراج گذاشته تا از کشورشان خارج شوند، پس از پاسخ منفی و سالها بلاتکلیفی زندگی خود را دست خوش حوادث دیگری می کنند و مسیر دوم را برمی گزینند. در تحقیر ماندن یا به استقبال مرگ رفتن!!!! آرمان کشور سوم...

پناهجویان برای رسیدن به کشور سوم جان خود را به هراج می گذارند... آیا به راستی امنیت، رفاه اجتماعی، آزادی و مدینه فاضله ای که پناهجو جان خود را برای رسیدن به آن به هراج می گذارد؛ وجود دارد!!!! چرا تا به

حال هیچ کدام از کشورها موضوع مشخصی درباره این مدینه فاضله نگرفته و اگر خواستار پذیرای پناهجویان هستند، امکانات و شرایط بهتری را در کشور دوم مهیا نمی کنند تا هر روزه شاهد مرگ دسته جمعی پناهجویان نباشیم؟ چرا بایستی پناهجویی پس از سالها انتظار در ترکیه، یونان، پاکستان، هندوستان، اندونزی، مالزی و... سختترین راه ممکن را برگزینند و ناچار شود با مرگ دست و پنجه نرم کند!!!

در تحقیر ماندن یا به استقبال مرگ رفتن؟ عبور غیر قانونی از مرز همیشه و در هر لحظه مساوی با مرگ است. اما پناهجویی که مرگ را در افغانستان، عراق، ایران، سریلانکا، شاخ افریقا و... تجربه کرده، برای نجات خود و خانواده اش تن به یک ریسک بزرگ داده و فشار و محدودیت ها چنان کرده که علی رغم آگاهی به خطرات مختلف، پا به جاده ی مرگ می نهد.

پناهجویان ایرانی، افغانی، عراقی، سومالیایی و... را در هر گوشه از جهان می توان، یافت. از جزیره کریسمس گرفته، تا اردوگاههای پناهندگان در پاکستان و کمپ های به ظاهر پیشرفته کشورهای اروپایی... اغلب این پناهجویان مدعی اند که از ترس مرگ و برای حفظ جانشان از کشور خود فرار کرده اند. اما این فرارها همیشه به ساحل امن و مقصد مطمئن نمی انجامد. یک ماه قبل گزارش شد که یک قایق حامل پناهجویان افغانی، ایرانی، عراقی که اندونزی را به مقصد استرالیا ترك کرده بود، در راه غرق شد و دقیقا مشخص نشد که این قایق چند مسافر داشت. سه ماه قبل، شش ماه قبل، یک سال قبل و... هر ساله تعداد بی شماری از این قایق ها در دریاها غرق شده و تنها به خبری کوتاه بسنده شده است بی آن که راه و چاره ای برای این معضل اندیشیده شود.

موارد بسیار زیادی وجود دارد که پناهجویان هنگام عبور غیر قانونی از مرز ایران به ترکیه، ترکیه به یونان، یونان به ایتالیا و... یا با مین برخورد

کرده جان شان را از دست داده اند، یا در جنگل ها گم شده و یا گرفتار مافیای قاچاق بران انسان شده اند و یا در اثر سرما و گرسنگی جان خود را از دست داده اند. تصویر یخ زده مادر و فرزندی که برای زندگی بهتر پس از سالها انتظار و بلاتکلیفی در ترکیه راه پر خطر یونان را به پیش گرفته بودند، سندی بر این ادعاست که کشورهای اروپایی آن چنان که بایسته و شایسته است تسهیلاتی را برای پذیرفتن پناهندگان در کشور دوم در نظر نگرفته اند و سهل انگاری کمیساریای عالی و عدم پذیرش پناهندگان از سوی دولی که متقاضی پذیرفتن پناهندگان هستند، عامل اصلی مرگ پناهجویانی است که راههای غیرقانونی را با علم به پرخطر بودن آن انتخاب می کنند و جانشان بازبچه سیاست های غلط کشورهای پناهنده پذیر می شود. اگر کشورهای پناهنده پذیر تسهیلاتی برای پناهندگان در نظر گرفته اند، بایستی پیش از آن که فاجعه ای رخ دهد در اختیار کمیساریای عالی پناهندگان در کشور دوم قرار دهند تا پناهجویان مجبور نباشند مسیر پرخطر دیگری را پس از سالها انتظار انتخاب نمایند...

اگر چه بیشتر پناهجویان به یونان و یا به سواحل استرالیا می رسیدند، نفس راحت تری می کشیدند. اما وجود حوادث دیگری نشان داده که برای یک پناهجوی بی پناه هر جایی می تواند خطرناک باشد. خودسوزی پناهجویان، خودکشی های پی در پی، بیمارهای روحی و روانی که پناهجویان در کمپ های کشورهای توسعه یافته دچار شده اند، حاکی از آن است که معضل پناهجویی از مبدا تا به مقصد فرجام خوشایندی را برای پناهجو به ارمغان ندارد و مرگ در لحظه لحظه های دوران پناهجویی با پناهجویان همگام است. شواهد و اخبار نشان می دهد که صد ها تن از پناهجویان افغانی، ایرانی، عراقی، سومالیایی و... در زندان های اندونزی، یونان، ترکیه، پاکستان، ایران و... به سر می

برند که در این بازداشت گاهها کودکان و زنان بسیاری نیز به بند کشیده شده اند و گزارش ها حاکی از

آن است که حتا کودکان زیر سه سال نیز همراه با مادران خود در این بازداشتگاه ها بسر می برند.

مرگ، بازداشت و دیپورت بخشی از زندگی پناهجویی است اما علاوه بر آن پناهجویان آوارگی ناشی از زلزله و حملات توریستی نیز تجربه کرده اند که در هر دو موقعیت هیچ گاه کشورهای پناهنده پذیر به طور مستقیم خود را درگیر این موضوع نکرده و با بی تفاوتی از کنار آن گذشته اند. پناهجویان زلزله زده شهر وان که آوارگی اجباری دیگری را پذیرفتند، چه سرنوشتی پیدا کرده اند؟ در کدام کشور مامن پناه داده شده اند؟ پرونده آنها چه فرجامی به خود گرفته است!!!

ترکیه در سال ۱۹۵۱ "کنوانسیون پناهندگی" را امضاء کرده است و دولت ترکیه بنابر موقعیت خود به عنوان کاندید عضویت در اتحادیه اروپا (EU) متعهد به هماهنگ کردن قوانین خود با قوانین پناهنده پذیری اتحادیه اروپا و مسائل مربوط به آن مانند مهاجرت، مدیریت مرزی و اصلاحات قضایی شده است.

کمیساریای عالی پناهندگان در ترکیه موظف به بررسی پرونده پناهجویان غیراروپایی است. این کمیساریا، وضعیت پناهندگی فرد را طبق قوانین خود تعیین می کند و راه حل های پایدار برای اسکان کسانی می یابد که به حمایت بین المللی نیاز دارند. این سازمان مسئولیت دارد مدت زمان انتظار از زمان درخواست پناهندگی تا اعلام تصمیم نهایی را تا حد ممکن کاهش دهد.

طبق قوانین کمیساریای عالی، پناهجویانی که از این سازمان جواب قبولی می گیرند، ممکن است به مدت ۱۵ ماه منتظر بمانند تا فرصت اسکان در کشوری امن برای آنان یافت شود. یکی از وظایف UN آن است که پناهجویان را در اسرع وقت و بدون در نظر گرفتن ملیت آنان به کشورهای امن انتقال دهد....

انجمن حمایت از پناهجویان ایرانی در ترکیه سهل انگاری کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و همچنین بی

ادامه خطر جنگ، آخرین حربه ... از صفحه ۱

۱) فشارها بر حکومت از طرف دول غربی هر روز بیشتر و بیشتر می شود تا جائیکه دست روی شریان حیاتی اقتصاد ایران یعنی صادرات نفت گذاشته است. اگر این تحریم به تصویب و اجرا برسد حتی در صورت حمایت چین، ایران بازار اروپا را از دست خواهد داد.

دولت ایران که در حال حاضر هم با اقتصادی فلج روبرو است با تحریم خرید نفت دیگر بطور کامل زمین گیر می شود. با توجه به اینکه حکومت در این سه دهه، شعار عدم موثر بودن تحریم ها را داده است اما درگیری و اختلاف شدید درونی حکومت از طرفی و فشار اقتصادی ناشی از

تحریمها از سوی دیگر حتی از زمان نوشیدن جام زهر هم گذشته است و تنها راه برای جمهوری اسلامی تهدید به انتہار است.

۲) اعتراضات خیابانی مردم بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران (که از فضای ایجاد شده از اختلاف بین خامنه ای و رفقای گرمابه گلستان اصلاح طلبش بر سر سهم خواهی از حکومت رخ داد)، شروع برگ آخر مبارزات رادیکال مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. خامنه ای و نوکرانش کاملاً به زنده بودن این جنبش ایمان دارند و می دانند که مردم (که حالا تنها خواسته آنها مرگ بر دیکتاتور است) از هر بهانه ای برای برپائی دوباره تظاهرات استفاده خواهند کرد و هر حادثه کوچکی می تواند شروع دوباره تظاهرات باشد. وخیم شدن وضعیت اقتصادی مردم،

نیروی اعتراضی مردم را بسمت دشمن خارجی سوق دهد. این بازی با چه هزینه ای به پایان خواهد رسید؟؟ آیا این تحرکها در حد تهدید خواهد ماند و یا اینکه آتش جنگ، افروخته خواهد



عوامل باهم گریبان حکومت را گرفته است. لذا حکومت استبدادی برای برون رفت از این خطر با بزرگ کردن خطر جنگ می خواهد در کشور فضائی مانند فضای دهه ۶۰ بسازد و

شاهد نشان می دهد که حکومت ایران در دیپلماسی سیاسی با دول غربی به بن بست کامل رسیده است. در این فضا احتمال آنکه در یک اشتباه

از طرفین، جنگی بزرگ و تمام عیار شروع شود خیلی زیاد است جنگی که بازنده اصلی آن مردم خواهند بود. با مطالعه وضعیت مردم افغانستان و عراق بعد از حمله آمریکا و دول غربی، به این نتیجه می رسیم که در صورت وقوع جنگ در ایران فقط جمهوری اسلامی از بین نخواهد رفت بلکه مردم را در ورطه جنگ قومی و مذهبی و در نتیجه تجزیه ایران قرار می دهد.

بهترین حالت برای مردم ایران سرنگونی حکومت مستبد جمهوری اسلامی توسط خود مردم است تا دچار سرنوشت مردم عراق و افغانستان نشوند. این امر در وضعیت متزلزل فعلی حکومت ایران، نه تنها دور از دسترس نیست بلکه بطور حتم دیکتاتور بدست خود مردم ایران سرنگون خواهد شد و مردم به دست خود سرنوشتشان را خواهند نوشت.

ادامه پاسخ عبدالله اسدی ... از صفحه ۶

قانونی به شما پیوندند. در همین مورد لازم است هنگام معرفی خود اسم و مشخصات همسرت به آنها بدهید. شما هر وقت اقامت بگیرید می توانید همسرتان را نزد خود ببرید.

سوما: در مورد مدارکی که در بند ۳ به آن اشاره کرده اید باید بگویم که داشتن مدارکی از این دست در بعضی از موارد خوب است و در بعضی از

موارد نه. چون مدارک شما باید از فیلتر کارشناسان مدارک هویت در ادارات امور پناهندگی بگذرد و مورد تایید قرار گیرد. نکته مهمتر که لازم است از آن اطلاع داشته باشید این است که بسیاری از سفارتخانه ها بویژه سفارتخانه های کشورهای غربی در ایران دارای وکلایی هستند که در مواردی اگر فرضاً به مدارک شما شک داشته باشند آن را به ایران می فرستند تا از طریق وکیل خودشان در سفارت از آن استعلام بگیرند.

چون همه دولت های غربی می دانند که ادارات دولتی و مراجع قضایی و

حتی پزشک قانونی در ایران به کسی که زندانی شده باشد و یا تحت پیگرد قانونی قرار گرفته باشد و یا سرو دست کسی با چوب و چماق مامورین امنیتی شکسته باشد گواهی نمیدهند از این جهت همیشه توصیه من به پناهجویان این بوده تا آنجایی که مقدور است از تسلیم مدارک برای تایید پناهندگیشان خود داری نمایند چون اگر اعتبار مدارک شما مورد تایید قرار نگیرد دلایل درخواست پناهندگی شما نیز مورد تایید قرار نمی گیرد.

کیس مذهب: مذهب خود جز یکی از فاکتورهای پذیرش پناهندگان بر

اساس کنوانسیون ژنو است. به همین اعتبار کسی که بدلیل مذهب درخواست پناهندگی می کند باید دارای اطلاعات کافی در آن زمینه باشد. باید برای کارمندان دولت روشن کند که در چه زمانی به نتیجه بی دینی و یا اختیار کردن دین دیگری رسیدید و بسیاری مسایل دیگر که در این نامه وقت توضیح همه آنها را ندارم.

ولی به نظر من شما باید در مورد پناهندگی در استرالیا تحقیقات بیشتری بکنید. چون شرایط پناهندگی در آنجا بسیار پیچیده است. اگر نه به اروپا بیایید راحت و کم

در دستر است. برایتان آرزوی موفقیت می کنم. عبدالله اسدی



ادامه کشور های پناهنده پذیر مسئول مستقیم ... از صفحه ۱۱

تفاوتی کشورهای پناهنده پذیر را مسوول مستقیم مرگ پناهجویان می شمارد و کمیساریای عالی و دولی که متقاضی پناهندگان هستند را در پاسخ گویی به سوالات زیر موظف و مکلف می داند که چرا
۱- چرا کمیساریای عالی در انجام

وظایف خود موفق نبوده و نتوانسته است زمان انتظار پناهجویان را کاهش دهد و به حداقل برساند؟
۲- چرا وضعیت زندگی پناهجویان در ترکیه با قوانین حقوق بشر مطابقت ندارد؟
۳- چرا پناهجویان در طی زمان انتظار و پس از دریافت قبولی و پیش از انتقال به کشور امن در شرایطی زیستی بهتری نیستند و هیچ گونه امکاناتی در اختیار آنها قرار نگرفته

است؟
۴- چرا هر از چندگاهی پناهجویان مجبور به اقداماتی نظیر اعتصاب غذا می شوند و جان و زندگی خود را به خطر می اندازند تا به وضعیت آنان رسیدگی شود؟
۵- چرا کمیساریای عالی مخارج زندگی، مسکن، و هزینه های درمان پناهجویان را به عهده نگرفته و نمی گیرد؟
۶- چرا بایستی پناهجویان پس از سه

الی ده سال انتظار، هیچ کشور پناهنده پذیری پرونده آنها را نپذیرد و پناهجویان مجبور شوند از راه غیرقانونی خود را به اروپا برسانند؟
۷- اگر قوانین کمیساریای عالی پناهندگان در تمامی کشورها یکسان است چرا پناهجویان بی شماری مجبور هستند مسیر پرخطر ترکیه به یونان را تجربه کنند؟
انجمن حمایت از پناهجویان ایرانی - ترکیه (نوشهر)

**ایران تحت
حاکمیت جمهوری
اسلامی کشوری
امن نیست، هیچ
پناهجوی ایرانی
نباید به ایران
بازگردانده شود**